

موانع اساسی برقراری امنیت قضایی و عوامل آسیب زنده به آن

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۲)

سیدمحمد عبداللهی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی و عضو کانون وکلای دادگستری ایلام

چکیده

در ابتدا برای مشخص ساختن قلمروهای اعمال امنیت که البته یکی از آنها حقوق و قوانین است در عین حال باید توجه داشت که لزوماً همه عوامل یا موانع برقراری امنیت قضایی در جوامع مختلف، یکسان نیست و یا دست کم شدت و ضعف عوامل و موانع، متفاوت است هر چند خروجی امنیت قضایی، که همراه با احساس امنیت است می تواند بر اساس شاخص های یکسان مورد بحث قرار گیرد. گاه بر این باور متفق می شویم که نظام های حقوقی پیشرفته توانسته اند بر تمامی موانع و مشکلات برقراری امنیت قضایی فائق آیند در عین حال باید به این نکته توجه داشت که هر چند نظام های توسعه یافته قضایی توانسته اند بر آسیب های امنیت قضایی فائق آیند و به گسترش "تأمین قضایی" روی آورند، اما نباید انتظار داشت که با استقرار امنیت قضایی، تأمین قضایی به بوتۀ فراموشی سپرده شود. امنیت و تأمین قضایی، همچون سایر مفاهیم علوم انسانی در روابط پیچیده و در هم تنیده ای قرار دارند و انتظام یک مجموعه منظم و قوه قضائیه مستقل و کارآمد بدون درک و شناخت دقیق اجزا و روابط بین آنها میسر نیست.

واژگان کلیدی: امنیت قضایی، موانع، عوامل آسیب زنده، امنیت حقوقی

بخش اول: بررسی و شناخت امنیت قضائی

امنیت قضایی عبارتست از حالتی که حیثیت، جان، مال و کلیه امور مادی و معنوی انسان در حمایت قانون و در صیانت قوه قضائیه باشد.^۱ از امنیت قضائی و امنیت حقوقی تعاریف و برداشتهایی ارائه شده است با این مضامین، امنیت اطمینان خاطری است که بر اساس آن افراد در جامعه ای که زندگی می کنند نسبت به حفظ جان، حیثیت، و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند.^۲ از نخستین متون رسمی که به مسئله امنیت قضایی افراد توجه کرده اند اعلامیه حقوق بشر و شهروندی ۱۷۸۹ فرانسه است که تضمین حقوق اشخاص در قبال دستگیری، زندانی شدن، یا محکومیت خود سرانه را "امنیت قضایی" تلقی کرده است. بر این اساس، امنیت قضایی دو رویه دارد: یک رویه آن این است که، شخص بایدا از آسیب های ناشی از نقض عدالت در امان باشد، یعنی قدرت و اقتدار دستگاه قضایی به ناروا علیه او به کار گرفته نشود و رویه دیگر آن این است که دستگاه قضایی او را در زیر چتر حمایت خود قرار دهد، یعنی از گزند و آسیب های دیگران در امان نگاه دارد، به شکایات و تظلمات او رسیدگی شود و در سایه این رسیدگی، امنیت عینی و عملی برای او فراهم شود.^۳ بدیهی است که وجود قوه قضائیه توانمند و سالم از لوازم تحقق امنیت قضائی است. دستگاه قضائی کشور عهده دار حفاظت و صیانت از شهروندان خود در مقابل هر نوع تعرض به حقوق شرعی و قانونی آنهاست و تضمین این امنیت از اصلی ترین مسائل قوه قضائیه است. عملکرد بدون تبعیض نظام قضایی نیز شرط دیگری برای حصول به امنیت قضایی است. عملکرد صحیح و به هنگام دستگاه قضایی در برخی از موارد عملکرد غیر صحیح یا دیر هنگام در موارد دیگر، امنیت آفرین نیست. وجود تبعیض در شیوه عمل و فرایند قضاوت و احکام صادره نه تنها برخی شاخصهای عینی امنیت قضایی را زایل می کند. بلکه از این طریق تاثیر گزاری منفی در ذهنیت مردم، امنیت را از اذهان ایشان فراری می

۱. روحانی، حسن، ۱۳۹۰، «نقش امنیت قضایی در امنیت اجتماعی» مجموعه مقالات امنیت قضایی، مرکز نشر پژوهشهای

فقهی و حقوقی شماره نخست، ص ۱۴

۲. هاشمی، سید محمد، ۱۳۷۵، «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» جلد دوم (حاکمیت و نهادهای سیاسی)، قم: مجتمع

آموزش عالی قم، ص ۱۵۹

۳. شریعت باقری، محمد جواد، ۱۳۹۰، «امنیت قضایی و تأمین قضایی» مجموعه مقالات امنیت قضایی، چاپ اول، مرکز نشر

پژوهشهای فقهی و حقوقی، شماره نخست، ص ۹۸

دهد. تبعیض های مصداقی که قاضی یا دیگر اصحاب قوه قضائیه انجام میدهند و نوعی که اغلب از طریق برخی امتیازهای قانونی و بر اساس معضلات مجلس مقننه وضع می گردند، می توانند آثار عمیقی در کنش متقابل مردم و دستگاه قضایی بر جای بگذارند. یکی از ابعاد حقوق شهروندی مورد اشاره در قوانین اساسی، حقوق قضایی است. هدف اصلی حقوق قضایی شهروندان، ایجاد امنیت قضایی برای اعضاء جامعه است. حقوق قضایی آندسته از حقوقی است که فرد در برخورد با دستگاه قضایی باید از آن برخوردار باشد. برخی از این حقوق عبارتند از: حق داشتن وکیل، حق آگاهی از موضوع اتهام، حق حضور نزد قاضی و محاکم و حق شروع دادرسی در زمان مناسب.^۱ امروز در تمام جهان و در قانون اساسی کشورها تفکیک قوا و تضمین های لازم جهت حفظ حقوق ملتها منظور شده است. در عین حال باز هم تضاد و تداخل اهداف و ارزش های اساسی مانند امنیت، عدالت، استقلال و... مهمترین چالش امنیت قضایی است زیرا اگر امنیت قضایی تامین نشود، سایر ارزش ها هم مختل می شود. قوانین آیین دادرسی در کشورها به همین هدف پیش بینی شده است. همواره در فهم و تفسیر امنیت قضایی و همچنین در شیوه اجرای آن مشکلات نظری و عملی فراوانی وجود داشته است.^۲

بخش دوم: موانع اساسی برقراری امنیت قضایی

بند اول: عدم استقلال قضات

عدم استقلال قاضی عنی اینکه قاضی در رسیدگی، اتخاذ تصمیم. صدور حکم تابع مقامی نباشد و بدون داشتن دغدغه خاطر از اعمال نفوذ و یا به خطر انداختن موقعیت شغلی، صرفا بر اساس قانون و با اتکا به وجدان، قدرت تشخیص و استنباط خود مبادرت به رسیدگی و صدور رای نماید و این امر نقش بسیار موثری در تامین امنیت قضایی دارد.^۳ برخی از نویسندگان استقلال قاضی را به این معنا دانسته اند که قاضی در چنان موقعیتی باشد که

۱ ناصری، لایلا و مصطفی، ۱۳۹۰، امنیت قضایی و حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: جموعه مقالات امنیت قضایی شماره نخست، ص ۳۱۱.

۲ یونسی، علی، ۱۳۹۰، «مقدمه مجموعه مقالات امنیت قضایی» چاپ اول، مرکز نشر پژوهشهای فقهی و حقوقی، شماره نخست، ص ۱۱

۳ مهر پور، حسین، ۱۳۹۰، «تمهیدات قانون اساسی برای تأمین امنیت قضایی» مجموعه مقالات امنیت قضایی چاپ اول، مرکز نشر پژوهشهای فقهی و حقوقی شماره نخست، ص ۵۰.

اگر به وی گفته شود او چگونه عمل کند و نکند، نه گوینده و نه هیچ مقام دیگری نتواند تغییری در وضعیت شغلی او ایجاد کند، استقلال قاضی در صدور حکم و اتخاذ هرگونه تصمیم مستلزم آن است که هیچ مقامی، حق تغییر و برکناری او را نداشته باشد این همان موقعیتی است که از آن به عنوان اصل "تغییر ناپذیری قاضی" یاد میشود.^۱ یکی از عواملی که باعث استقلال قضائی می شود، مصونیت شغلی و شخصی قضات است. قضات باید از امنیت شغلی و آرامش و آسودگی فکری و روانی لازم برخوردار باشند و اگر این اتفاق نیفتد با عدم استقلال قضات مواجه خواهیم شد، تغییر و تحولات در دستگاه سیاسی و قضائی نباید در شغل آنان اثر بگذارد. از دیگر عوامل از بین برنده استقلال قضات اینست که قضات در خصوص گرایشات و جریانات مختلف سیاسی بی طرفی اتخاذ نکند و گرایشات سیاسی او نباید تأثیر در صدور حکمشان داشته باشد و اگر قاضی تحت تأثیر هر گونه فشار، توصیه و جوی قرار گیرد متأسفانه در برخی موارد مهم، در ابتدا برای دستگاه قضائی فضا سازی می شود، بعد پرونده ها را ارجاع می دهند و جوی درست می شود که قاضی دیگر آزادی عمل نخواهد داشت تا حکمی که مورد نظر اوست صادر کند. استقلال قاضی به معنای آنست که به جز قانون، وجدان، علم قاضی، محتویات پرونده و حکم خداوند، هیچ چیز دیگری در قضاوت او دخالت نداشته باشد، اینکه استقلال قاضی تضمین شود، امر مهمی است.^۲ قضات نباید نگران این باشند که رای آنها ممکن است مورد قبول یا پسند مقامات و مدیران نباشد. این فرهنگ باید قویا پاس داشته شود که قاضی، رای و نظری دارد که در حکم او منعکس می شود و فساد از آنجا آغاز می شود که مدیران بلند پایه قضایی به داعی اینکه قاضی ممکن است رای غیر صحیح صادر کنند تلاش بنمایند تا او را از سمت صدور رای " قانون شرعی" سوق دهند. این تلاش ظاهراً مقدس، شخصیت و استقلال قاضی را تحت تأثیر قرار می دهد و زمینه را فراهم می کند تا اندک اندک به توصیه های این و آن رای صادر کند.

بند دوم: رسیدگی های بی پایان

اگر قرار باشد که رسیدگی ها با پیچیدگی ها و طی شرایط طولانی مواجه شود و رأی قضات همیشه قابل تغییر و نقض باشد. گوئی آشکارا با این معضل مواجه هستیم که خواهان

۱ شریعت باقری، محمد جواد، ۱۳۹۰، پیشین، ص ۶.

با تقدیم دادخواست و شروع دادرسی نزد محکمه زی صلاح، هدف مشخصی را تعقیب می کند که همان حصول رأی قاطع در ماهیت دعوا و یا فیصله دادن به اختلاف مورد شکایت از طریق قانونی است. بر مبنای همین خواسته قانونی خواهان با اطمینان خاطر از پله های دادگستری بالا آمده تا به مطلوب قانونیش برسد. یعنی اعتبار امر مختومه تا از تکرار بی مورد رسیدگی در موضوعی که منجر به صدور رأی قاطع شده و به دنبال آن از اطاله دادرسی، جلوگیری شود. به عبارت دیگر، هر مرحله منجر به مرحله دیگری نشده و او در سریع ترین زمان ممکن به خواسته خویش نائل شود. یکی از معضلات بارز این رسیدگی های بی پایان شاید دو درجه ای بودن رسیدگی و یا به عبارت بهتر دو مرحله ای بودن دادرسی است. مهمترین ایرادی که منتقدان دو درجه ای بودن دادرسی بیان می کند، اطاله دادرسی و انتظار زیاد خواهان برای حصول یک رأی قاطع است، به طوری که گاهی این انتظار در دعاوی حقوقی به بیش از دو سال نیز می رسد که این امر در تعارض با فلسفه دادرسی در معنای خاص خود است. این انتظار تا حد زیادی وارد به نظر می رسد زیرا در موارد زیادی، محکوم علیه دعاوی حقوقی یا کیفری، از فرصت فوق به عنوان شگردی برای اطاله دادرسی و مانع تراشی در احقاق حق محکوم له استفاده می کند و چه بسا که محکوم له را از تعقیب مراحل دادرسی تا حصول نتیجه اجرایی و مورد نظر خود منصرف سازد. یکی از ضروری ترین نیاز های امنیت قضایی، دسترسی آحاد افراد جامعه به دادگاه هاست، این دسترسی با آنچه که مرتبط با بعد فیزیکی است، نیاز مند بحث و استدلال چندانی نیست. اما بعد روانی دسترسی دسترسی به دادگاهها، کمتر از بعد فیزیکی نیست. اصحاب پرونده ها، چه کیفری و چه حقوقی. چه اداری از محاکم انتظار دارند که همه آنچه را که آنها می خواهند بگویند بشنوند، فارغ از اینکه آیا دادگاه، نیازمند گوش سپردن به همه آنچه که آنان می خواهند بگویند هست یا نه.^۱ گاه دیده شده و امروز متأسفانه بیشتر از گذشته مشاهده می شود که وکلا از این طولانی شدن رسیدگی ها استفاده برده و آنرا دست آویزی برای دریافت حق الوکاله نزد موکلشان قرار می دهند و وکیل محکوم علیه، صرفاً با هدف به تأخیر انداختن دادرسی و اطاله بی مورد آن و در نهایت آزار طرف دعوی خود، با آگاهی از اینکه صدور رأی مطابق قانون صورت گرفته و موجب یا موجباتی برای تجدید نظر خواهی وجود

ندارد، اقدام به تجدید نظر خواهی می کند. به بیان دیگر حق استفاده از قانون، منجر به سؤاستفاده از آن برای ممانعت از احقاق حق دیگری می شود. از دو مقدمه پیاپی، نتیجه ای بدست آمده است که به موجب آن، احکام قطعی و نهایی قضات، همواره قابل نقض و تغییر ند. مقدمه اول اینست که: آیا ممکن است قاضی در مورد حکم اشتباه کرده باشد؟ پاسخ این سوال انتزاعی است و قطعاً مثبت است. دوم اینکه آیا ممکن است حکمی که اشتباه است تنفیذ شده باشد؟ پاسخ این سوال قطعاً منفی است. بنابر این احکام همه قضات، در عالم همواره ممکن است اشتباه باشد و هیچ گاه نیز هیچ حکم اشتباهی قابل اجرا نیست. شبیه همان اشکالی است که هیوم در مورد استقراء مطرح کرده است. استقراء هیچ گاه حجت نیست. زیرا هزاران قوی سفید دلیلی بر این نیستند که قوی سیاهی وجود خارجی نداشته باشد این استدلال مانع از استقرار امنیت قضایی و هر نوع دیگری از «استقرار» است تنها چیزی که استقرار دارد این است که هیچ چیز استقرار ندارد^۱. واضح است که پیش بینی مرحله تجدید نظر صرفاً در راستای تضمین دادرسی منصفانه و قضاوت شایسته است و نباید متمسکی برای اطاله رسیدگی و طولانی تر شدن بی مورد تلقی شود.

بند سوم: در دسترس نبودن دادگاه ها

قابلیت دسترسی به دادگستری به منظور دادخواهی و احقاق حق و آزادی های تضییع شده، به عنوان یک حق در اسناد حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است. طبق قسمت اول از بند یک ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش بوسیله دادگاه مستقل و بی طرف، منصفانه و علناً رسیدگی شود، این موضوع در بند اول ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز آمده است. بر اساس این اصول، ایجاد دستگاه قضایی مناسب و در دسترس برای تضمین امنیت قضایی شهروندان، تکلیف حکومت است و این حق مطلق بوده و نمی توان مانع استفاده احدی گردد.^۲ یکی از ضروری ترین نیاز های امنیت قضائی، دسترسی آحاد افراد جامعه به دادگاههاست این دسترسی در آنچه مرتبط به بعد فیزیکی است. نیازمند بحث و استدلال چندانی نیست؛ اما بعد روانی دسترسی به دادگاهها، کمتر از بعد فیزیکی نیست. اصحاب پرونده، چه کیفری و

۱ همان.

۲ ساداتی، سید محمود، ۱۳۸۹، «امنیت قضایی در جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه دادرسی، شماره ۷۹، سال ۱۴، ص ۱۶.

چه اداری از محاکم انتظار دارند که همه آنچه را که می خواهند بگویند بشنوند، فاغ از اینکه آیا دادگاه، نیازمند گوش سپردن به همه آنچه آنان می خواهند بگویند هست یا نه هست یا نه.^۱ پیچ و خم های فراوان دادرسی، معمولاً مردم را از مراجعه به دستگاه قضائی منصرف می کند گاهی مردم احساس می کنند که گویی دستگاه قضائی در دسترس آنها نیست، امنیت قضائی زمانی حاصل می شود که مردم احساس کنند یک پناهگاه به نام قوه قضائیه دارند که به راحتی می توانند شکایت خود را در آنجا مطرح کنند اگر این احساس از بین برود، آن امنیت هم از بین رفته است. احساس پناهگاه بودن دستگاه قضائی به معنای واقعی کلمه برای همه مردم، به مفهوم امنیت قضائی است. از دیگر مواردی که در مقوله دسترسی نبودن دادگاهها مطرح می شود این است که اگر همه مردم در برابر قانون مساوی نباشد و یا به عبارت بهتر همه توانایی دسترسی به آن را نداشته باشند مثل تبعیض هایی همچون نژاد، مذهب، طبقه، قومیت و امثال اینها که باعث می شود تبعیض حاصل گردد. اگر همه مردم بدانند که در دادگاهها و در مراحل مقدماتی در دادرراها و حتی در مراحلی که ظابطین موضوع را مورد بررسی قرار می دهند، تبعیضی وجود ندارد و همه در برابر قانون مساوی اند، برای مردم اطمینان بخش خواهد بود. اگر بخواهیم از جمله مواردی در دسترس نبودن دادگاهها عدم آگاهی فرد را مورد تدقیق قرار دهیم بحثمان به این نتیجه منتج می شود که عدم توانایی در انتخاب وکیل هم از جمله موارد دیگری در سختی دسترسی به دادگاه است.

بخش سوم: عوامل آسیب زننده به امنیت قضایی

بند اول: عدم جبران خسارت ناشی از بازداشت و حبس قانونی

گاه در جامعه این اتفاق رخ می دهد که شخصی بنا بر اتهامی که بر وی وارد شده تحت تعقیب قرار می گیرد و در طی تحقیق بنا به مقتضیاتی باید در حبس به سر برد و یکی از دلایل آن در دسترس بودن و دیگری عدم تبانی و... و پس از مدتی طولانی در حبس بودن، بی گناهی آنها اثبات و آزاد می گردند در حالیکه صرف سپری کردن مدت زمانی در حبس کافی است که جامعه وی را بزهکار بداند و یک زندان چند روزه به حیثیت و اعتبار اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی شخص بازداشت شده بی گناه، لطمه سختی وارد سازد و

۱ شریعت باقری، محمد جواد، ۱۳۹۰، پیشین، ص ۷.

این سابقه زندان، گر چه کوتاه مدت باعث ایجاد شک و تردید در حسن سابقه و شهرت شخص شده و برای استخدام شدن مانع مهمی بوجود می آورد.^۱ این معضل تنها شامل مسائل اقتصادی نیست دیگر جنبه های زندگی فرد را پوشش داده و جامعه برای رفع یک معضل و آنهم دسترسی به مجرم و فصل خصومت ناگزیر با انتخاب این روش سختی های دیگری را برای افرادی که گاه بی گناه هستند ایجاد می کند. شاید اگر تنها از این منظر نگریده شود دلایل رد آن آنقدر قوی باشد که به راحتی بتوان مشکل را حل نمود ولی جنبه دیگری دارد و آنهم رسیدگی به جرایم رخ داده شده در مورد بازداشت های غیر قانونی، راه حل های قانونی وجود دارد که علاوه بر مجازات مأمور خلاف کار، حکم به جبران خسارت نیز داده می شود و حتی انفصال دائم، و به طور کلی هم مقام مأمور دولتی را شامل می شود و هم قضات مراحل مختلف دادرسی را، که بر خلاف قانون یا در غیر موارد معین قانونی امر به توقیف کسی بدهند و یا آزادی شخصی را سلب نمایند. ولی با این تفاسیر مشکل جبران خسارت ناشی از تعقیب و توقیف قانونی نیست زیرا خوشبختانه برای آنها راه حل در نظر گرفته شده است مشکل تنها زمانی است که باز داشت با امر مقام قانونی و با مجوز قانونی و اینکه تمامی احتیاطات در کشف جرایم به عمل آمده و در نتیجه شخص یا اشخاص به اتهام ارتکاب جرم دستگیر شده اند و پس از گذشتن مدتی که گاه بسیار طولانی نیست بی گناهی فرد حبس شده احراز شده آزاد می گردد. در سیستم کامن لو دو نظر وجود دارد. یک نظر بر این است که شهروندان مکلف به اطاعت از دستورات قانونی مقامات هستند و اگر این دستورات موجب ورود خسارت نابجا شود می توانند علیه آنها اقامه دعوا کنند نظر دیگر اینست که اگر مقامی که به رسیدگی جزائی با صدور حکم براءت یا قرار منع تعقیب خاتمه می دهد از همان آغاز اطلاعات کافی و دلائلی را که منجر به صدور حکم گردیده در اختیار می داشت محققاً قرار بازداشت متهم را صادر نمی کرد اینگونه بازداشت ها محصول نارسایی های غیر قابل اجتناب عدالت انسانی است و غیر عادلانه است که خسارت حاصل از نقص ماشین قضائی را در حدود امکانات جبران ننماییم. ولی این بی جبران بودن خسارت ناشی از حبس غیر قانونی به هر صورت یک بی عدالتی توجیه پذیر

۱ فرهاد، پروین، فرهاد، ۱۳۹۰، «امنیت فضایی در پرتو پیشگیری از تعدیات قانونی به حقوق شهروندان» مجموعه مقالات

شده که از عوامل آسیب زنده به امنیت قضائی افراد است.

بند دوم: عدم پرداخت خسارت از جانب دولت به اشخاص

مسئله عدم مسئولیت یا به عبارت بهتر "مصونیت قضائی"^۱ برای دستگاههای دولتی از مهمترین عوامل متزلزل کننده امنیت قضائی است و همینطور جواز استفاده بلاجهت و استیفای ناروا از اموال خصوصی توسط دستگاههای دولتی در قوانین و مقررات است و بدیهی است امتیازاتی که در این رابطه داده می شود و دارای صورت قانونی است ولی در سیرت خلاف موازین عدالت است استفاده اجباری و مجانی از اموال دیگران و حتی برای اشخاص عادی مجاز نیست و حکم به جبران خسارت داده می شود انجام آن به توسط دولت به طریق عادی قبیح و نادرست است و امنیت قضائی نباید منحصر به روابط بین اشخاص عادی باشد. بالعکس اشخاص باید از جانب دولت احساس امنیت و عدالت بیشتری را نمایند و چنانچه سازمانهای دولتی نیاز دارند که از املاک دیگران لوله های آب و گاز و نفت و هر وسیله دیگری را بگذرانند، این امر از روی ضرورت و حتما با جبران خسارت بیش از موارد عادی باشد تا اشخاص از استفاده دولت از املاک خود احساس رضایت کنند و نه احساس تنفر و ستم.^۲ اینکه اگر کارمندان دولت و شهرداریها و مؤسسات وابسته و دولتی اگر به مناسبت شغل و وظیفه خود در نتیجه بی احتیاطی خساراتی را به اشخاص وارد آورند و شخصا مسئول گردند قضیه را حل نموده ولی اگر این امر به واقع منجر به این مصونیت گردد. که اگر در نتیجه این اقدامات قانونی ولی بی احتیاطی با بایکوت نمودن امر با پناه بردن به قانونی بودن روالی ایجاد گردد خود از دیگر عوامل آسیب زنده به امنیت قضائی است. دولت به عنوان ضامن حقوق اشخاص که خود به جبران خسارت وارده از جانب خود نپردازد چگونه از سایر اشخاص می توان انتظار داشت که حقوق دولت و حقوق دیگران در جامعه مورد رعایت قرار گیرد این عدم تعادل و تبعیض ناروا نه تنها به امنیت قضائی جامعه لطمه وارد می کند بلکه با ایجاد حق تنفر و دلسردی زیان دیده به زبان زنده "دولت" به امنیت ملی نیز لطمه وارد می کند.

^۱ Judicial Immunity

^۲ فرهاد، پروین، فرهاد، ۱۳۹۰، پیشین، ص ۸۴

بند سوم: عدم مسئولیت کلی دولت در مورد اعمال مربوط به حاکمیت

اگر دولت در مورد اعمال مربوط به حاکمیت از بازداشت قانون گرفته تا هر امری که به صلاح حاکمیت باشد و در آن منافع عمومی لحاظ گردد و حتی اگر به صلاح یک فرد توجه نشود خود را کاملاً محق بداند این خلاف اصول حقوقی است و از جمله عوامل آسیب زننده زیرا عدم مسئولیت کلی دولت در اعمال مربوط به حاکمیت قابل توجیه نیست زیرا اصل بر مسئولیت واصل بر لزوم جبران خسارت است. هر شخصی به دیگری زیان وارد نماید چه شخص حقیقی یا حقوقی، مربوط به حقوق عمومی یا خصوصی باید زیان وارده را جبران نماید و بلاجبران ماندن آن به معنای جایز دانسته شدن عمل می باشد.^۱ صرف نظر از تحولی که در گستره موضوعی اعمال حاکمیت صورت گرفته، و بی توجه به آنکه امروزه پیوستگی میان حاکمیت و مصونیت چگونه ارزیابی می شود، نظریه حاکمیت اصلی ترین بنیان نظری مسئولیت در همه نظام های حقوقی به حساب می آید، در فرانسه مصونیت ها و معافیت هایی که وجود دارد، هنوز هم با ارجاع به محل حاکمیت توجیه می گردد.

نتیجه گیری

امنیت در ابعاد گوناگونش لازمه ایجاد آرامش و رفاه افراد جامعه و در پی ایجاد این آسایش همگانی، آبادانی و رشد در تمامی عرصه ها را شامل می گردد. در میان ابعاد گوناگون امنیت، توجه بخصوص این مطالعه معطوف امنیت قضایی است و خود امنیت قضایی مهمترین مولفه امنیت اجتماعی است، اساساً امنیت قضایی اولین گام بازدارنده هر گونه تعدی، تجاوز و ظلم است و در گام بعدی زمینه مجازات متجاوز و ترمیم حقوق از دست رفته مدعی را فراهم می کند، امنیت قضایی از جمله زیر ساخت های مهم توسعه است و در فقدان آن جامعه با فرار مغزها و سرمایه ها مواجه خواهد شد. امنیت قضایی منطبق بر حقوق بشر، تنها زمانی وجود خواهد داشت که اصول و رویه های دادرسی، به نحو عادلانه، تضمین کننده حقوق مادی و معنوی افراد جامعه باشد، در حقیقت، دادرسی عادلانه که خود شامل چنین حق فرعی می باشد، یکی از حقوق بنیادین بشر است که صحت کارایی و سلامت سیستم قضایی یک کشور را تضمین می کند و از این طریق، ضمن رعایت کامل حقوق قضایی، امنیت قضایی را تامین می کنند. بررسی امنیت قضایی در

موازن حقوق بشری، و در اسناد مرتبط با این بحث، پایه اساسی این تحقیق بوده، که محقق در ادامه مطالب بیان شده در بخش قبل، به دنبال بررسی این حقوق در اسناد متعدد بین المللی و شناسایی هر چه کاملتر آن می باشد.

منابع و مأخذ

- روحانی، حسن، ۱۳۹۰، «نقش امنیت قضایی در امنیت اجتماعی»، مجموعه مقالات امنیت قضایی، مرکز نشر پژوهشهای فقهی و حقوقی شماره نخست.
- ساداتی، سید محمود، ۱۳۸۹، «امنیت قضایی در جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه دادرسی، شماره ۷۹ سال ۱۴.
- شریعت باقری، محمد جواد، ۱۳۹۰، «امنیت قضایی و تأمین قضایی» مجموعه مقالات امنیت قضایی، چاپ اول، مرکز نشر پژوهشهای فقهی و حقوقی، شماره نخست.
- فرهاد، پروین، فرهاد، ۱۳۹۰، «امنیت قضایی در پرتو پیشگیری از تعدیات قانونی به حقوق شهروندان» مجموعه مقالات امنیت قضایی، شماره نخست، چاپ اول، مرکز نشر پژوهشهای فقهی و حقوقی.
- مهر پور، حسین، ۱۳۹۰، «تمهیدات قانون اساسی برای تأمین امنیت قضایی» مجموعه مقالات امنیت قضایی چاپ اول، مرکز نشر پژوهشهای فقهی و حقوقی شماره نخست.
- هاشمی، سید محمد، ۱۳۷۵، «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» جلد دوم (حاکمیت و نهادهای سیاسی)، قم: مجتمع آموزش عالی قم.
- یونسی، علی، ۱۳۹۰، «مقدمه مجموعه مقالات امنیت قضایی» چاپ اول، مرکز نشر پژوهشهای فقهی و حقوقی، شماره نخست.